



رابطه بین معماری و سبک زندگی ایرانی - اسلامی (اصل محرمیت در ساختار معماری اسلامی)

دکتر سامان فرزین*^۱، دکتر حسین کوهستانی^۲، دکتر مریم ظهوریان^۳
^۱- استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند (farzin@birjand.ac.ir)
^۲ استادیار گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند (hkoohestani@birjand.ac.ir)
^۳ مدرس گروه باستان شناسی دانشگاه بیرجند (ma_zohourian@yahoo.com)

چکیده:

معماری ایرانی درخشش مفاهیم آسمانی در رعایت حرمت انسانهاست. تاثیر قرآن در معماری ایرانی با تاثیر ادیان دیگر نظیر بودا و هندو، که دستورات مستقیم برای ساخت مکانهای مقدس خود را دارند متفاوت است. تجلی آیه حجاب در سوره نساء و تفسیر آن بخشی از تاثیر عمیق آیات الهی در معماری ایرانی و اسلامی است. هنر معماری ما در طول تاریخ همیشه آمیخته با اندیشه های دینی بوده است. به عنوان نمونه اصل محرمیت و حفظ حریم که در این مقاله به آن پرداخته شده است، در معماری امروز ما به صورتی دیگر جلوه می یابد، به عنوان مثال به جای اندرونی و بیرونی معماری اسلامی امروزه می توان عرصه های خصوصی و عمومی در خانه ها را مطرح نمود. با توجه به مفهوم اصل محرمیت، در واقع فضایی را می توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تامین نماید. پرواضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی های آن است و مفهوم آسایش و آرامش دامنه بسیار بزرگتری را شامل می گردد. محرمیت یکی از این اصول سنتی است که به گونه ای بس شاخص و هنرمندانه در معماری پس از اسلام ایران زمین گسترش یافته است. در کنار محرمیت اصولی همانند وحدت که باید آنرا جهت بخش تمامی هنر و تمدن اسلامی دانست، نظم، سلسله مراتب، تقارن و تناسب و غیره نیز در کالبد بناهای سنتی قابل پی جویی است و از آنجا که دارای ریشه های مشترک بوده و رو به یک حقیقت ازلی دارند، وجود هر کدام شکل دهنده و مکمل دیگری است.



به طور کلی مقاله حاضر می‌کوشد که اصل محرمیت را به عنوان یکی از اصول اساسی سبک زندگی ایرانی-اسلامی معرفی نماید و تأثیرات آن در ساختار کالبدی-فضایی معماری سنتی ایران قابل رویت است را نمایان سازد و این نوع سبک زندگی و معماری را همواره به عنوان کالبد اندیشه و ابزاری برای بروز تفکر، نگرش و اندیشه های هر قوم و ملتی به وضوح نشان دهد.

واژگان کلیدی: محرمیت، درون گرایی، معماری ایرانی، سبک زندگی، مصونیت

مقدمه

هنر در ایران زمین به قدمت تاریخ است و معماری از بهترین هنرهای ایرانی است. براساس آنچه از نوشته های تاریخی به دست می آید، هنر و صنعت از پنج هزار سال قبل از میلاد در ایران زمین ریشه و نشان دارد. و به همین علت است که تمامی گستره این مرز و بوم مانند کتاب زنده ای از تاریخ، معماری و هنر ایرانی اسلامی را نشان می دهند. با مراجعه به منابع تاریخی کمتر مکانی را می یابیم که در آن معابد باستانی و اماکن زیارتی و مذهبی با ویژگی های خاص معماری ایرانی وجود نداشته باشد. نظری اجمالی به معماری ایران در عهد باستان بیانگر اصول شکل دهنده آن هم چون آسایش، استحکام، انبساط و غیره است. پاسارگاد، تخت سلیمان، ارگ بم، میدان نقش جهان و ... همه و همه علاوه بر جلال و شکوه و شگفتی، گویای تاریخ و تمدن با شکوه ایران هستند. پس از ورود اسلام به سرزمین پهناور ایران، فرهنگ و هنر این پهنه با عوامل تازه ای ترکیب شد. اصول، آداب و رسوم، مراسم مذهبی، روحیه، اخلاقیات، اندیشه و عقیده نسلها و سایر ویژگیهای مردمی نه تنها در بناهای عظیم که در ابنیه کوچک نیز نمود دارد و چنان با جوهره ی وجودی معماری ایرانی در آمیخته است که ردپای آن در تمامی آثار معماری گذشته قابل پی جویی است. یکی از مهمترین اصولی که در معماری سنتی ایران زمین بالاخص پس از اسلام مورد توجه قرار گرفته است،



اصل محرمیت می باشد که به بهترین وجه در تمامی بناها از بناهای عظیم و بزرگ عمومی تا خانه های مسکونی و از فضاهای عمومی شهری تا فضاهای نیمه عمومی و خصوصی تر به کار گرفته شده است. می توان گفت اصل محرمیت در شهرسازی و معماری اسلامی از کلان ترین فضاهای شهری تا ریزترین فضاهای معماری را مورد تاثیر خویش قرار داده است. در این مقاله پس از تعریف و روشن شدن معنای واژه محرمیت به بررسی عوامل و شرایط شکل گیری آن در معماری سنتی ایران پرداخته و با نگاهی به آیات کتاب آسمانی، یعنی قرآن در این زمینه، به عنوان محکم ترین مرجع دریافت اصول، چگونگی کالبد یافتن آن در معماری سنتی ایران را بررسی می کنیم. اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه های عمیقی در فرهنگ و اندیشه های این مرز و بوم داراست.

۱- اصل محرمیت

برای ارایه تعریفی از واژه محرمیت نخست به تعریف لغوی این واژه در فرهنگ نامه ها می پردازیم. واژه محرمیت از ریشه عربی (حرم) در لغت نامه دهخدا به شکل زیر تعبیر شده است: محرمیت: محرم بودن. محرمی. رازداری. خویشی و در معنی محرم آمده است: محرم: ناشایست. حرام. کسی که اذن دخول در حرم و خانه شخصی را دارد. خویشاوند. خویش. آشنا. اهل سر و آنکه در نزد وی بتوان راز را به ودیعه گذاشت. معتمد. ندیم، مقرب. خودی. یگانه. رازدار.

در فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، واژه محرمیت به معنای م □ حرم بودن تعبیر شده است و در معنای محرم نیز آمده است:

۱- ناشایست، حرام. ۲- خویشاوندی نزدیک که نکاح او روا نباشد. ۳- زن. ۴- خویش. خویشاوند. ۵- آشنا. ۶- واقف کار. ۷- مقرب. ندیم.

با توجه به آن چه بیان گشت، می توان عنوان داشت که مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، کالبد دادن به فضا به گونه ای است که دارای حریم از دو جنبه کالبدی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه کالبد فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل خواهند داد و در حیطه معنایی ویژگی هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان آورد



به گونه ای که فرد در آن به آرامش برسد. در این زمینه و برای روشن تر شدن موضوع می توان به آیه ۸۰ از سوره مبارکه نحل اشاره کرد در جایی که خداوند می فرماید: «وجعل لکم من بیوتکم سکنا...» «خداوند از خانه هایت ان جایی را برای آرامش شما قرار داد و از پوست چارپایان، خیمه هایی برای شما مقرر کرد تا در موقع استقرار و کوچ، سبک و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی آنها اثاث زندگی و مایه تجارت قرار داد تا در حیات دینوی از آن استفاده کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱). اشاره آیه شریفه فوق به این مطلب که بخشی از خانه را محل آرامش معرفی کرده است، تاکید بر شکل گیری فضا و قلمروهای محرم در کالبد یک خانه مسکونی است که این مطلب با توجه به شرایط عملکردی سایر ابنیه نیز قابل تعمیم است. در هر فضا کالبدی که انسان سکونت گزیند، خواه ناخواه نیازمند شکل گیری عرصه هایی محرم، مصون، امن و آرام است. لذا با توجه به لغت شناسی ریشه [حرم] و آنچه عنوان گشت در واقع فضایی را می توان فضای محرم دانست که از نظر کالبدی برای استفاده کننده دارای حریم، مصونیت و امنیت بوده و کیفیات فضایی آن به گونه ای باشد که آرامش و آسایش فرد را تامین نماید. پرواضح است که امنیت داشتن بصری در این فضا تنها بخشی از ویژگی های آن است و مفهوم آسایش و آرامش دامنه بسیار بزرگتری را شامل می گردد. در واقع هنگامی که شخصی به عنوان محرم شخص دیگر قرار می گیرد جدا از آنکه از نقطه نظر شرع اصولی میان آنان حاکم می گردد، رابطه ای خاص توأم با اعتماد، اطمینان، آسایش و امنیت خاطر میانشان برقرار می گردد که حکایت از قرابت زیاد میان آنان دارد و یا هنگامی که انسان شخصی را به عنوان محرم خویش برمی گزیند او را امین، امانتدار، رازدار و در حقیقت خودی به شمار می آورد. می توان عنوان داشت محرمیت به همراه خود ایجاد کننده انس و الفت است و چنین است که می توان ابراز داشت، فضای محرم نیز فضایی است که شرایط مادی و معنوی را برای استفاده کننده به منظور حصول محرمیت در تمامی ابعاد مختلفش فراهم آورد. محرمیت را می توان یکی از اصولی دانست که گرچه از گذشته های دور در معماری ایران زمین به چشم می خورده است و در دیگر فرهنگها نیز تا حدودی قابل دسترسی است ولیکن اوج شکوفایی آن را می به عنوان یکی از « محرمیت و نداشتن دید روی بنای مجاور » بایست در معماری پس از اسلام دانست.



با نفوذ جهان بینی اسلامی به ایران در قرن هفتم میلادی که اصول مبتنی بر برابری را ارائه می داد، تغییراتی در نظام کالبدی شهرهای ایران باستان صورت پذیرفت، به گونه ای که متحمل کمترین دگرگونی های عمده کالبدی فضایی شوند. محله بندی ها بر پایه شغل، ریشه نژادی و یا زبان صورت پذیرفت و خانه های اقشار مختلف در کنار یکدیگر قرار گرفت و بازسازی روض و یا به عبارتی روشن تر اهمیت بخشیدن به آن بخش از شهر که در آن افراد خارج از طبقه ممتاز می زیستند، یکی از مهم ترین این تغییرات بوده است اهمیت یافتن و گسترش سریع روض و مهجور شدن شارستان (شهر درونی)، حکایت از این تغییر جهان بینی دارد. باید عنوان داشت که شیوه ساخت بناهای درونگرا و با حیاط مرکزی در دوره اسلامی نیز ادامه یافت و تعدادی از اولین مساجد صدر اسلام به این شیوه ساخته شدند که می توان از مسجد جامع فهرج و مسجد تاریخانه دامغان نام برد (حکیم، ۱۳۸۱). لذا جهان بینی جدید سبب شکل گیری اصولی نو در اندیشه های مردم ایران گردید که پیرو آن تغییراتی در کالبد معماری و شهرسازی صورت پذیرفت. نگاه نو به مساله محرمیت و کاربرد آن در معماری سنتی از این زمان به بعد شکل تازه ای گرفت و مسیر تکاملی خود را طی نمود به گونه ای که گیراترین مصادیق به کارگیری این اصل در معماری سنتی پس از اسلام نمایان است. در اینجا به بررسی آن دسته از ویژگی ها و اصولی از معماری سنتی ایران که در شکل دادن به مساله محرمیت در کالبد معماری گذشته دخیل و موثر بوده اند می پردازیم.

۲- جلوه های سبک زندگی ایرانی - اسلامی در معماری ایران

با صحیح شمردن این فرض که معماری ظرف زندگی است و زندگی یعنی شیوه زیست و ارتباط انسانها که از فرهنگ جامعه برخاسته است. در نتیجه معماری دارای هویتی است که: اولاً بیانگر ارزشهای حاکم بر جامعه است، دوماً مبین ارزشهایی است که جامعه به آنها تمایل دارد. سوماً بیانگر عوامل هویت فرهنگی پدیدآورنده آن است (اردلان، ۱۳۸۰) و اینکه آنچه اثری را در نگاه عموم با هویتی یا بی هویتی جلوه میدهد، تعلقاً عدم تعلق آن به هویت جمعی و پایدار است؛ در خواهیم یافت که معماری ایرانی نمودی از هویت ملی ایرانی است و از آنجا که مفهوم هویت بخش در ایران، تا پیش از انقلاب مشروطه، به دو گفتمان حاصل از اندیشه (ایران شهری) ایران باستان و سپس سنت





و فرهنگ اسلامی محدود بود، به گونه ای که پس از ظهور اسلام و نفوذ آن در ایران دو هویت ایرانی- اسلامی به نحو ظاهراً غیر متناقضی با هم ترکیب شده بودند (معین، ۱۳۷۱). هویت ایرانی اسلامی پیش از مشروطه را می توان ترکیبی از فرهنگ ایرانی و اسلامی دانست. به همین سبب از جمله مؤلفه های هویت ملی (ایرانی- اسلامی) ارزشها و هنجارهای ملی مثل مهمان نوازی و جوانمردی، میراث فرهنگی مثل هنرهای سنتی، اسطوره های ملی مثل رستم، نمادهای ملی مثل پرچم، ویژگیهای جغرافیایی مثل اقلیم، بعد دینی و باورهای مذهبی مثل عقاید، مناسک و آیینهای مذهبی خواهد بود (نصر، ۱۳۷۹). در این قسمت این سوال مطرح است که عوامل شکل دهنده هویت چگونه در معماری نمود می یابند. گاه هنرمند برای هویت بخشیدن به اثر هنری خود، از الگوهای اصیل گذشته بهره می برد. با این گسترش، مفهوم سبک که در آغاز برای تحلیل تاریخ هنر و تعیین هویت اثر هنری به کار گرفته شده بود، نقشی فعال در آفرینش اثر هنری بر عهده میگیرد (نقی زاده، ۱۳۷۹). این شیوه ای است که امروزه در معماری ایرانی برای ساختن معماری به اصطلاح با هویت بسیار به کار میرود و ما آن را شیوه تکرار الگوهای گذشته می نامیم، اما این که آیا این روش برای ایجاد معماری با هویت مناسب است یا خیر در این نوشتار نمی گنجد. شیوه دیگری که در هویت سازی اثر معماری کاربرد دارد استفاده از نمادهاست. مردم هر فرهنگی با توجه به گذشته و تاریخ خود، نمادها و سمبل های گاه هویت سازی دارند، که از جمله این نمادها می توان به نمادهای ملی و دینی اشاره کرد. شولتز ساختن را تنها در اشغال فضا نمی بیند در این بین چیزی که بیش از همه اهمیت دارد افشای روح مکان و برقراری ارتباطی عمیق بین زمین، بافت سازه و آسمان است. شکل و فضای طبیعت به صورت ارتباطی خاص بین زمین و آسمان، به هویت مکان قطعیت می بخشد. این خصوصیات در مقایسه معماری بومی بیشتر به چشم می خورد، تراکم آبادی در معماری بومی و ارتباط عمیق آن با زمین سیاهه آبادی را ترسیم می کرد که سرگردانی آدمی و نیاز او به رسیدن را پاسخگو بود (بورکهارت، ۱۳۷۶). این امر نمایانگر روش استفاده از معماری بومی در هویت سازی است. همچنین در معماری تزیینی هر نقش دارای ارزشهای بسیاری از جمله ارزش برگرفته از عقاید مردم جامعه است. معمار با این تزیینات آرمانهای جامعه را در بنا به ظهور میرساند و به گونه ای از هویت سازی در معماری میرسد. اما برای درک هویت معماری ایرانی میتوان





با بررسی اصول بناهای سنتی ایران و دریافت حکمت و عقاید حاکم بر آنها عناصر هویت ساز معماری سنتی را دریافت. طبق نظر دکتر «پیرنیا» ویژگیهای معماری ایرانی شامل پنج اصل؛ مردم واری، که شامل توجه به تناسبات و... است و نمودی از عوامل روانشناسانه در معماری است. پرهیز از بیهودگی، نیارش، درونگرایی و خودبسندگی است که در همه بناهای سنتی به نوعی قابل مشاهده است (پیرنیا، ۷۹).

۳- اصل درون محوری

درون محوری در جهت حفظ حرمت و حجاب در معماری ایرانی اصولی اجتناب ناپذیر تلقی شده و جزء ارکان معماری اسلامی جایگاه ویژه ای را به خود گرفته است. رکن حرمت و حجاب در معماری اسلامی ضمن به کمال مطلوب رساندن حریم خانواده، خلوص فضائی را به فضا القاء کرده و ماهیت فرهنگ و تمدن اسلامی را مبین می سازد حجاب در خانه ها از اصول اجتناب ناپذیر بوده که معماران اسلامی نسبت به رعایت آنها خود را ملزم و مکلف می دانستند که این اصل مواردی از قبیل ثبات و سکون، نجابت و متانت، قداست و عرفان را به ارمغان می آورد مفهوم درونگرایی که به صورت یک اصل در معماری اسلامی ایران وجود دارد با حضوری آشکار به صورتهای متنوع قابل درک و مشاهده است. باورها و اعتقادات مردمی که ریشه در اسلام و قرآن دارد در ساماندهی اندام های مختلف ساختمان بسیار کار ساز بوده از جمله ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و عزت نفس ایرانیان بوده که به گونه ای معماری ایران را درونگرا ساخته است (پیرنیا، ۸۱). معماران ایرانی با طراحی فضاهای مختلف بناها در دور تا دور حیاطها بنا را از دنیای بیرون جدا می کردند و تنها عامل پیوند دهنده این دو هشتی ورودی است خانه های تاریخی ایران از حیث ساختار معماری در یک قالب واحد نیستند و بستگی به جانمایی در اقلیم های مختلف، از الگوهای مختلفی پیروی می کنند ولی به جرات می توان گفت الگوی غالب خانه سازی در بخشهای وسیعی از ایران تابع اصول درونگرایی است خانه ها به دو قسمت اندرونی و بیرونی تقسیم می شوند که از طریق دالانهای متفاوت به هشتی متصل می شدند اندرونی جایگاه زندگی خصوصی خانواده و گزینه ها به آن راه نداشتند بیرونی ویژه مهمانان که جداگانه پذیرائی می شدند. و گاهی در اتاق روی هشتی که به





اندرونی نزدیک بود پذیرائی می شدند. با توجه به اینکه در خانه های درونگرا تمام بنا حجابی است میان درون و بیرون کمتر خانه ای دیده می شود که دیوارهای خارجی دارای پنجره ای رو به گذر باشند بلکه فضا ای مختلف نور و هوای لازم را از حیاط تامین می کردند و همچنین استفاده از ارسی در فضاهای اصلی از جمله اتاقها و طنبی ها و غیره علاوه بر تامین نور فضاهای داخلی، و تداوم دید به فضای بیرونی، کاهش شدت نور آفتاب و گرما، ایجاد زیبایی در نمای ساختمان، حفظ حریم و محرمیت از فضای بیرون، از کارکردهای اساسی سطح مشبک و رنگی پنجره های ارسی می باشد (معماریان، ۱۳۷۳). اصل محرمیت در فضاهای داخلی نیز نمود پیدا کرده که نمونه آن را می توان در اتاقهای گوشواره در طرفین طنبی اصلی که کارکرد آن استفاده زنان از این فضا برای در جریان قرار گرفتن برخی از مراسم های مردانه از طریق پنجره های مشرف به طنبی است. از دیگر ویژگیهای خانه های ایرانی همترازی بامها در جهت حفظ محرمیت بوده است. ویژگی معماری غیر قابل انکار آثار و بناهای مانند خانه، مسجد، مدرسه کاروانسرا، حمام و عمده مربوط به خصوصیات درونگرایانه آن است که ریشه ای عمیق در مبانی و اصول اجتماعی، فلسفی این سرزمین دارد در فرهنگ این نوع معماری ارزش واقعی به جوهر و هسته باطنی آن داده شده است و پوسته ظاهری صرفاً پوششی مجازی است که از حقیقی محافظت می کند و غنای درونی و بسته آن تعیین کننده جوهر و هسته راستین بناست و قابل قیاس با وجوهات و فضای بیرونی نیست. درونگرایی در جستجوی حفظ حریم محیطی است که در آن شرایط کالبدی با پشتوانه تفکر، تعمق و عبادت به منظور رسیدن به اصل خویش و یافتن آرامش خاطر در درون به نظمی موزون و متعالی رسیده است درونگرایی منحصر به خانه نبوده و به عنوان یک اصل مهم در معماری اسلامی مساجد، کاروانسرا و سایر بناها نیز رعایت می شود و پیامدهای خاصی را از نظر ارتباطی به بار می آورد. (معین، ۱۳۷۱).

۴- سلسله مراتب درب ورودیها:

به طور کلی در اکثر بناهای ایرانی در مورد نحوه ورود از فضای بیرون به درون حیاط گونه های مختلفی دیده می ود که در همه آنها شخص به هنگام ورود با یک یا چند تغییر جهت در مسیر حرکت از در ورودی تا حیاط مواجه شده که ابتدا سر در ورودی بعد هشتی و پس از آن غالباً دالانی



را طی کرده که در مساجد از طریق یکی از چشمه های فرعی رواقهای اطراف حیاط می رسند که به عنوان نمونه به مسجد جامع اصفهان، اردستان همدان و مسجد حکیم اصفهان در برخی مساجد نیز چون مسجد امام اصفهان، مسجد وکیل شیراز مسجد جامع قزوین و ... ورودی مسجد با تغییر جهت هایی از قسمتهای پشتی ایوانهای فرعی امکان پذیر می باشد. این اصل در کاروانسراها و سراها پس از عبور از سردر ورودی و گذر از هشتی از داخل ایوان متصل به آن بدون هیچ مانعی وارد حیاط می شود در خانه ها عبور از سردر ورودی و هشتی و در برخی مواقع عبور از دالان از کنج بنا وارد حیاط بیرونی می شویم (پیرنیا، ۱۳۷۱). تفاوت بارز در نوع ورود به حیاط در بناهای ذکر شده بدلیل عملکرد و نوع رفتار در هر گونه می باشد. که این به نظام اندیشه ایرانی، اسلامی، و سلسله مراتب سیر و سلوک که دارای زیر ساختهای عارفانه بوده بر می گردد. با تحلیل و بررسیهای بیشتر در نحوه دسترسی غنی به حیاط و فضاهای اصلی به این نتیجه می توان رسید که محل ورود به فضای حیاط در اکثر قریب به اتفاق موارد انطباقی با محورهای گذرنده از مرکز حیاط نداشته ولی ورود به فضای اصلی دقیقاً منطبق بر محور اصلی قبله می باشد این تفاوت نحوه ورود به دو فضای ذکر شده نشان دهنده وجود گونه ای از سلسله مراتب است (معماریان، ۱۳۷۳). از نکات حائز اهمیت این است که خانه جزء ابنیه خصوصی است و پیچش دالان منتهی به حیاط به جهت حفظ حریم خصوصی حیاط و انفکاک از عرصه عمومی بیرون است اما مسجد جزء ابنیه عمومی بوده و دلایل وجود شکست و پیچش در دالانهای ورودی و عرصه انطباق با محورهای اصلی حیاط مشابه با دلایل مطرح در مورد خانه نمی باشد. پهنه شهر محل فعالیت های دنیوی و مسجد محل عبادت و راز و نیاز است. برای گذر از مکان اول به فضای دوم، آدابی لازم است که عمده ترین نقش آنها دگرگونی ذهن شخص و توجه او به کسی است که می خواهد با او راز و نیاز کند. برای عبور از فضای سراسر غوغای فعالیت های دنیوی به فضای مقدس مسجد شرایطی لازم بوده که مهمترین آن پالایش ذهن است که آن با رعایت سلسله مراتب در ساماندهی ارتباط فضاهای مرتبط با مسجد اعم از بیرونی و درونی امکانپذیر می باشد. یکی دیگر از جنبه های مهم در جهت حریمیت در بخش ورودی وجود کوبه های مختلف به در ورودیهای قدیمی می توان اشاره کرد شکل و صدای این کوبه ها مشخص کننده مرد یا زن بودن مهمان خانه است (پیرنیا، ۱۳۸۱).



۵- آمیزش معماری با طبیعت

نکته حائز اهمیت در پیوند میان معماری سنتی ایران و طبیعت رعایت اصل محرمیت است. بناها همواره به گونه ای شکل گرفته اند که در ترکیب با طبیعت و استفاده از عناصر آن، محیط طبیعی را به درون خود کشیده و همانند حجابی آن را در میان خود گرفته اند و این وجه تمایز معماری سنتی ایران با دیگر ممالک است. در معماری ارگانیک غرب که نگاه ویژه ای به طبیعت دارد و فرم و فضای معماری در بسیاری از موارد از ویژگی های توپوگرافیکی زمین تبعیت می کند، معماری به گونه ای شاخص در طبیعت رها می گردد تا با آن پیوند برقرار کند و می توان گفت که خود را در اختیار طبیعت قرار می دهد (بورکهارت، ۱۳۷۶). حال آنکه در معماری سنتی ایران اصل پیوند با طبیعت در گرو اصول ارزشی مهم تری است که ریشه در جهان بینی معمار و اجتماع دارد و به همین سبب است که در بسیاری موارد چه در بناهای عمومی و چه در بناهای خصوصی، فضاهای طبیعی در دل فضای مصنوعی جای گرفته است (اردلان، ۱۳۸۰) و به عقیده بسیاری از جمله استیرلن سرچشمه وجود نمادین اندامهای کالبدی معماری ایران در عالم مثال یا عالم ملکوت و یا بهشت موعود دیده می شود و در معماری باغها و حیاطها و پیوند با طبیعت، الگو برداری از عناصر باغهای بهشتی مد نظر معمار بوده است. حتی در طراحی و ساخت باغهای ایرانی شاهد دیواره های بلند در اطراف هستیم که شکل دهنده فضای محرم درون اند و در دل این فضای درونی است که عمارات و کوشکها به گونه ای بازتر شکل گرفته اند، چرا که حصار بیرونی حریم امن درونی را فراهم آورده است. لذا باید عنوان کنیم در شکل گیری معماری سنتی ما اصول ارزشی مقدم بر سایر اصول، معیارها و راهکارها قرار گرفته اند و معمار همواره در پی یافتن پاسخ های مناسب و خلاقانه در به کارگیری اصول بوده است (سلطانزاده، ۱۳۷۶).

۶- نتیجه گیری

محرمیت یکی از اصول اساسی حاکم بر هستی و پدیده های آن است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی- فضایی معماری سنتی ایران غیر قابل کتمان است. معماری به عنوان کالبد اندیشه همواره



ابزاری برای بروز تفکر، نگرش و اندیشه های هر قوم و ملتی بوده است. محرمیت یکی از این اصول سنتی است که به گونه ای بس شاخص و هنرمندانه در معماری پس از اسلام ایران زمین کالبد یافته است. در کنار محرمیت اصولی همانند وحدت که باید آنرا جهت بخش تمامی هنر و تمدن اسلامی دانست، نظم، سلسله مراتب، تقارن و تناسب و غیره نیز در کالبد بناهای سنتی قابل پی جویی است و از آنجا که دارای ریشه های مشترک بوده و رو به یک حقیقت ازلی دارند، وجود هر کدام شکل دهنده و مکمل دیگری است. در چندین دهه اخیر می توان سست شدن پایه های معماری اصیل و ارزشمند ایرانی و اسلامی را دید آنچه که امروزه در معماری شهرها می بینیم هیچ سنخیتی با فرهنگ ایرانی و اسلامی ندارد و اسباب تاسف است که پایه های ارزشمند هنر والای معماری اسلامی را به فراموشی بسپاریم و با روی آوردن به معماری بی تناسب که در همه شهرها می توانیم ببینیم به بهانه نوآوری چشم بر گنجینه ارزشمند معماری اصیل ایران ببندیم. امروزه مشکلی که در معماری و شهرسازی ما به وفور دیده می شود این است که مفاهیم معماری اسلامی ما به روز نشده و کشور ما نیز همانند یکی از کشورهای جهان با شبکه جهانی ارتباطات پیوند خورده و چاره ای جز به روز شدن نیست ولی مسئله اساسی حفظ ارزشهای معماری اسلامی در طی این به روز شدن می باشد. در روند تحولات معماری تغییر می یابد ولی جوهره وجودی آن ثابت می ماند و این دلیل بر تغییر کالبد نیست. ارزشهایی که میراث گذشته ماست باید باقی بماند ولی ما مجبور به امروزی شدن هستیم و دلیلی ندارد که همه چیز مثل گذشته باشد. بازگشت معماری ما به معماری اسلامی یک ضرورت است. جامعه ما فرهنگ فلسفی و دینی دارد که نشأت گرفته از قرآن و اسلام می باشد و ما همه به این اصول پایبندیم تبدیل این اصول به معماری باید توسط افرادی صورت گیرد که ضمن آزادی بتوانند ترجمه مفاهیم و اصول را توسط رنگها و فرمهای معماری نشان دهند به صورتی که ارزشهای سرزمین ما در این آثار قابل رویت باشد. هنر معماری ما سرشار از معرفت است. به عنوان نمونه مساله محرمیت و حفظ حریم که در این مقاله به آن پرداخته شد در معماری امروز ما به صورتی دیگر جلوه می یابد. به عنوان مثال به جای اندرونی و بیرونی معماری اسلامی امروزه می توان عرصه های خصوصی و عمومی در خانه ها را مطرح نمود اتاق خواب که عرصه خصوصی یک خانه به حساب می آید در انتهای بنا و سایر فعالیتها می توانند نزدیک ورودی می



باشند. امروزه در جهت به روز شدن معماری نشات گرفته از فرهنگ اسلامی، مشکلاتی چون مسائل اقتصادی و گرفتاریهای ناشی از آن وجود دارد و واقعیت امر این است که ما بین جامعه سنتی و معماری مدرن و اقتصاد درگیر هستیم.

منابع

- "قرآن کریم".
- اردلان نادر، بختیار لاله، (۱۳۸۰)، "حس وحدت، سنت عرفانی در معماری ایرانی"، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان، نشر خاک.
- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۷۶)، "مدخلی بر اصول و روش هنر دینی"، ترجمه جلال ستاری، در مبانی هنر معنوی، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- بورکهارت، تیتوس، (۱۳۶۵)، "هنر اسلامی، زبان و بیان"، تهران، انتشارات سروش.
- پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۷۹)، "آشنایی با معماری اسلامی ایران"، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- پیر نیا، محمد کریم، (۱۳۸۱)، "سبک شناسی معماری، تهران"، نشر معمار.
- حکیم، بسیم سلیم، (۱۳۸۱)، "شهرهای عربی-اسلامی، اصول شهرسازی و ساختمانی"، ترجمه محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- "دهخدا"، علی اکبر، لغت نامه
- سلطانزاده، حسین، (۱۳۷۶)، "فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران"، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۱)، "تفسیر نمونه"، جلد سوم و چهارم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، "فرهنگ فارسی"، جلد سوم، چاپ هشتم، تهران، نشر سپهر.
- معاریان، غلام حسین، (۱۳۷۳)، "آشنایی با معماری مسکونی ایران"، گونه شناسی درونگرا، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.



۲ و ۳ اسفند ۱۳۹۶

1st.National Congress on Architecture &Urban Construction
21-22 February 2018, Vahdat Higher Education Institute, Torbat Jam , Iran

- معماریان، غلام حسین، (۱۳۸۴)، "سیری در مبانی نظری معماری"، تهران، انتشارات سروش دانش.
- نصر، سید حسین، (۱۳۷۹)، "انسان طبیعت"، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نقی زاده، محمد، (۱۳۷۹)، "حکمت سلسله مراتب در معماری و شهر سازی"، مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهر سازی.

Archive of SID

